

3

زنان ایرانی

در باره عروس خانم
صفحه ۲۱

منتخب فهرست مطالب این شماره :
عوامل و دلایل فشار عصبی در زنان ایرانی مهاجر و
پناهنده / گفتگویی با ژیل مساعد / خانواده در تغییر،
نگاهی به ساختار خانواده در کانادا / داستان کوتاه



Great French Paintings from Cézanne to Matisse
The Barnes Exhibit
Art Gallery of Ontario
Never before. Never again.
September 17 to December 31, 1994

سال نهم . شماره سوم . پاییز ۱۳۷۲
Volume IX, Number 3, Fall 1994
P.O. Box 964, Station F. Toronto, Ont. M4Y 2N9

بررسی کتاب

م . ستایش

خروش خاموشی

ژاله اصفهانی

ناشر : نشر باران ، چاپ اول ، ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) استکلم



کتاب « خروش خاموشی » آخرین مجموعه کارهای ژاله اصفهانی را که خود لطف کرده و برای ما فرستاده بود ، اخیراً دریافت کردیم . این محبت بی پیرایه و با ارزش ژاله « برای گردانندگان زن ایرانی » به ما مجال داد که باز هم در باره این هنرمند گران قدر و دردکشیده بنویسیم و او را که سال هاست در عرصه شعر و ادب ایران می درخشد بهتر به خوانندگان بشناسانیم .

در مقدمه این کتاب که چاپ اول آن به سال ۷۱ (۱۹۹۲) در استکلم به همت « نشر باران » انجام شده ژاله چنین می نویسد:

« این دفتر خیزابی است که خروش مسافری را به گوش شما می رساند که از آغاز جوانی همراه توفان ها به سواحل دور دست افتاد و جدائی ناخواسته از زادگاه و زبان مادری با سرنوشت او در آمیخت »

رنج ، دست مایه احساس لطیف هنرمند است . تفاوت شاعر و هر هنرمند دیگری با مردم عادی در نحوه برداشت او از درد و انتقال آن به دیگران است . دیگرانی که با درد آشنایی دارند ، از بیان هنرمندانه لذت می برند اما شخصاً به چنین بیانی مجهز نیستند .

ژاله شاید بیش از هر هنرمند دیگری طی سال های بلند شاعری خود که به اوایل « سال های بیست » می رسد درد دوری و دربه دری داشته است . عجب نیست که پژواک سوزان این درد عمیق را همواره در نواهای نغز و زیبایی او می شنویم . در این رابطه از او در همان صفحه می خوانیم که محرک اصلی خود را چنین بیان می کند:

« عشق به انسان و آزادی ، عشق به ایران و فرهنگ بزرگوارش ،

در این کتاب که به قطع رقمی در ۴۲۰ صفحه چاپ شده جمعاً ۲۸۴ قطعه شعر می خوانیم . این اشعار متعلق به سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۷۰ می باشد بنابراین طیف وسیعی از پر حادثه ترین سال های وطن را در بر دارد . برای ژاله این سال ها حتی پر حادثه تر و دردانگیز تر بوده . چرا که او نه زن ایرانی سال نهم ، شماره ۳

تنها شاهد بسیاری از این حوادث می باشد و در متن پاره ای از آن ها قرار دارد ، بلکه ناگزیر از چشیدن طعم تلخ بسیاری دوری ها و هجرت ها ، و از دست دادن ها نیز گردیده است . و فریاد رسای همین دردها است که بیش از هر چیز در اشعار او بارز و چشمگیر است .

شاعر ، در شکل اشعار خود ، هم از اوزان عروضی و هم از عروض شکسته (عروضی نیمایی) بهره گرفته است . در حالی که شعرهای اولیه او هم چون بسیاری از شاعران در قالب های عروضی قدیم سروده شده . در سال های اخیر اشعارش را بیشتر در وزن های شکسته و بسیار بندرت در وزن های آزاد می بینیم . با این همه آن چه در شعر ژاله ممتاز و در خود توجه بسیار است شکل بیان اوست . خود او به کرات به این مسئله اشاره کرده . در مقدمه نیز گفته :

« شاید محتوای شعرش فرمانروای فرم و شکل شده است » بنابراین تعجب نیست هرگاه در بسیاری از موارد شعر از نظر شکل ، انتخاب کلمات و نحوه تنظیم و (به) کار برد آن ها به هیچ وجه به زیبایی و والایی محتوا نیست . اما ظاهراً هدف ژاله همیشه پیامی است که به خواننده می دهد . بنابراین تا جایی که او بخواهد « خروش » خود را به گوش درد آشنایان برساند نحوه بیان برای او اهمیت چندانی ندارد .

ژاله در باره بسیار موضوع ها سروده است . زمان شعر او در این کتاب از ۱۳۳۲ تا ۱۳۷۰ را در بر می گیرد (نزدیک به ۵۰ سال) مکان های او در سراسر دنیا پراکنده است ، از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب . اما پیام اصلی همواره یکی است . « آزادی و وطن » و ستون این پیام ها بر « مادری » و « کودکی » استوار است ، آن چه این شور و حال خاص را به اشعار ژاله می دهد .

با هم بعضی از کارهای بسیار نغز و زیبای او را می خوانیم .

ادامه در صفحه بعد

خروش خاموشی

روح عاشق زن

سده های سیاه دهشت بار ،
پرده بر چشم زن چنان افکند ،
که ندید اخگر الفبا را ،
تا کند راه خویش را روشن .

دل پر درد و روح عاشق زن ،
که شبانگه کنار کهواره ،
گاه روزان در آشپزخانه ،
ریخت در قالب ترانه و شعر
« عامیانه » ولی چو روح بهار ،
و چه بسیار ، از دهان به دهان ،
بین يك نسل و نسل های دگر ،
شده این « عامیانه » ها تکرار .

آه ، ای زن ،

ای غمناوی سینه اعصار!

ای درخشان ترین سرود جهان
قلمت شعله ور ، ز آتش جان ،
این زمان ،
مژده آرد از خورشید ،
همچو رنگین کمان ،
پس از توقان .

او در قطعه ی بنام « کودکان خوابند » چنین می سراید:

در آسمان بهاری ،
نفس نکش ای ماه !
تو ای ستاره قطبی
لطیف تر بدرخش ،
شکوفه های سحر ،
نرم تر پر افشانید ،
پرندگان هوا ،
بالتان بهم نخورد ،
فرشتگان خدا ،
خنده تان صدا نکند ،
درون هاله کهواره ،
کودکان خوابند .

ژاله راجع به مهاجرت بسیار سروده است . تفکر و نحوه بیان

لطیف او را در قسمتی از « مرغ مهاجر » می بینیم :

پر افشان شو ، ای مرغ ، مرغ مهاجر !
سفر کن به بی انتهای افق ها ،
بینداز خود را در آغوش دریا ،
سر موج بنشین و هر سو شنا کن
دل و جان خود را ز غم ها ، رها کن ،
مبادا بتالی ،
سرود و نوا شو
طلوع سحر ، تندر ابرها شو ،
امید و نوید و تلاش و تمنا ،
از این ها ، به هر کس بده یادگاری .

در قطعه « پیمان » ژاله يك بار دیگر احساس عمیق خود را
نسبت به وطن ابراز می دارد :

من ایران کهنسال جوان را ،
من این فرهنگ و شعر و این زبان را ،
من البرز متین مهربان را ،

غروب گرم نخلستان اهواز ،
نسیم نرم نرگس بوی شیراز ،
هوای باغ های اصفهان را ،

وطن را با همه درد و عذابش ،
تلاش مردم پر التهابش ،
من این نسل جوان پر توان را ،

به هر حالی و در هر جا که بودم ،
به شعرم ، با امیدم ، با سرودم ،
پرستیدم ، ثنا گفتم ، ستودم .

و نهایتاً دو قطعه زیر از زیباترین و پر معناترین سروده های
کوتاه او هستند :

کلاغ

روی درخت گردوی گس آن کلاغ پیر
صد سال لانه کرد و هزاران هزار بار
گردو از آن درخت بدزدید و خاک کرد ،
هر بار روی خاک ،

ادامه